

از نفت تا کشت و صنعت؛ نفوذ خاموش اسرائیل در اقتصاد

۳۱ فروردین ۱۴۰۵ ساعت ۹:۵۴

در پس پرده‌ی روابط گرم سیاسی تهران و تل‌آویو در دوران پهلوی دوم، شبکه‌ای از وابستگی‌های اقتصادی شکل گرفت که به نفوذ روزافزون اسرائیل در بدنه‌ی مالی، کشاورزی و صنعتی ایران انجامید. از خطوط لوله‌ی نفتی تا طرح‌های کشاورزی قزوین، حضور کارشناسان و شرکت‌های اسرائیلی در ایران چهره‌ای پنهان اما تعیین‌کننده از مناسبات رژیم پهلوی را آشکار می‌سازد.

روابط ایران و اسرائیل از جمله موضوعاتی است که در طول تاریخ فراز و نشیب بسیاری به خود دیده است. از به رسمیت شناختن کشوری به نام اسرائیل توسط محمدرضا شاه تا قطع روابط در دوره محمد مصدق و در نهایت تحولات بنیادین دو کشور بعد از انقلاب اسلامی. این‌ها همه ظرف کمتر از نیم قرن به وقوع پیوسته است. اما این روابط دارای فراز و نشیب، در مقطعی بسیار گرم و نزدیک بوده است. به خصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ش که محمدرضا شاه با کمک عوامل داخلی و خارجی قدرت را در دستان خود قبضه کرد و بدون توجه به داخل به قدرت‌های خارجی تکیه کرد.

این روند سبب شد نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای همچون اسرائیل در ایران رو به فزونی گذارد. به خصوص هر چه به پایان دوره سلطنت محمدرضا شاه نزدیک می‌شویم نفوذ اسرائیل در ایران در ابعاد سیاسی و اقتصادی رو به فزونی می‌گذارد. در این فرصت کوتاه تلاش خواهیم کرد تا نفوذ اقتصادی اسرائیل در ایران در این دوره را مورد تورق و تفقد بیشتر قرار دهیم.

مناسبات اقتصادی پیش از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ش

اولین جرقه در روابط اقتصادی ایران و اسرائیل همزمان شد با به رسمیت شناختن اسرائیل توسط دولت ساعد مراغه‌ای در سال ۱۳۲۸ش که بر اساس آن بن‌گوریون نخست‌وزیر وقت اسرائیل دستور داد یک خط لوله انتقال نفت میان دو کشور احداث شود. جالب این جاست که احداث این خط لوله در عرض کمتر از صد روز به نتیجه رسید و این نشان اراده‌ی هر دو طرف برای توسعه‌ی مناسباتشان بود. یک سال بعد از این رویداد ملاقاتی میان محمدرضا پهلوی و لوی اشکول، وزیر دارایی اسرائیل انجام و شاه ایران آمادگی خود را برای افزایش صادرات نفت به اسرائیل اعلام کرد. در نتیجه همین دیدار بود که خط لوله دیگری احداث شد و صادرات نفت ایران به اسرائیل به میزان دو برابر افزایش داد. [\[۱\]](#)

با این حال، ماجرا به همین جا ختم نشد و با روی کار آمدن محمد مصدق به عنوان نخست‌وزیر و در واکنش به اعتراض‌های مردم و برخی از سیاسیون شناسایی اسرائیل پس گرفته شد. اما این وضعیت نیز پایدار نماند و بعد از مدت کوتاهی تغییر کرد.

افزایش روابط اقتصادی بعد از کودتا

با سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق و روی کار آمدن دولت کودتا بستر برای تقویت و تحکیم روابط تهران و تل‌آویو فراهم گردید. از آنجا که مسائل اقتصادی در حوزه‌ی سیاست پایین قرار دارد مرادوات در این بخش روند رو به رشد سریعتری به خود دید. اولین شروع جدی دوباره مناسبات اقتصادی به پاییز ۱۳۳۳ش باز می‌گردد که طی آن حسین سندنجی، دبیر دوم سفارت ایران در لندن، پیشنهاد فروش نفت را به سفارت اسرائیل ارائه داد. از آنجا که اسرائیل مسیر توسعه را در پیش گرفته بود و گام‌های ابتدایی پیشرفت را بر می‌داشت نیاز شدیدی به نفت خام ایران احساس کرد. از طرف دیگر محمدرضا پهلوی برای تقویت و تحکیم موقعیت سیاسی خود در داخل نیاز مبرمی به فروش نفت داشت. به خصوص که اعراب و اسرائیل درگیر منازعه بودند و با وجود تحریم نفتی کشورهای عربی و حتی روسیه، نیاز اسرائیل به نفت ایران دو چندان شده بود. در نهایت، مذاکرات میان طرفین در سال ۱۳۳۶ش به نتیجه رسید و توافق شد نفت ایران به بهای ۳۰/۱ دلار به اسرائیل فروخته شود.^[۲]

روابط دو کشور بدون توجه به مسائل داخلی و بین‌المللی در ابعاد مختلف و به خصوص در بعد اقتصادی در دهه‌ی ۱۳۴۰ش نیز تداوم یافت به شکلی که دو کشور شرکت نفتی ماوراء بحار را در سال ۱۳۴۴ش تاسیس کردند. به موجب این توافق بود که در سال ۱۳۴۶ش خط لوله‌ای در بندر ایلات اسرائیل ایجاد شد که نفت ایران به کشورهای اروپایی همچون ایتالیا و رومانی صادر می‌کرد. طنز ماجرا اینجاست که روابط دو کشور روز به روز در حال گسترش بود اما محمدرضا پهلوی هرگونه همکاری با اسرائیل را انکار می‌کرد و در اظهارات رسمی خود صادرات نفت از ایران را در قالب توافقاتی کنسرسیوم با دولت اسرائیل توجیه می‌کرد و نشان می‌داد.^[۳]

روابط اقتصادی در بخش کشاورزی

روابط تهران و تل‌آویو به همین جا ختم نشد و مناسبات دو کشور وارد موضوعات دیگر اقتصادی نیز شد. تهران کوشش می‌نمود اسرائیل را به بخش کشاورزی و صنعتی نیز وارد کند و این کشور را به سرمایه‌گذاری در طرح‌های ایران تشویق می‌کرد. بدین ترتیب، کارشناسان اسرائیلی توانستند به تدریج در بخش‌های کشاورزی و بازرگانی ایران نفوذ و سرمایه‌گذاری کلان انجام دهند. به عنوان مثال، می‌توان به یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های کشاورزی که اسرائیلی‌ها در راه‌اندازی و مدیریت آن نقش داشتند اشاره کرد که بر اساس آن بخش وسیعی از استان قزوین زیر کشت رفت و با نام طرح کشت و صنعت قزوین شناخته شد.^[۴]

روابط در بخش کالا و خدمات

ایران و اسرائیل در بخش‌های دیگر اقتصادی نیز با یکدیگر مرادوات داشتند. تجار اسرائیلی در برخی از بانک‌های مختلط و شرکت‌های تولیدی و خدماتی مشغول فعالیت بودند. این حضور به حدی بود که واردات ایران از اسرائیل نه تنها چند برابر واردات ایران از کشورهای عربی بود، بلکه از واردات ایران از تمام کشورهای مسلمان جهان در آسیا و آفریقا بیشتر بود. این را در کسری تجاری ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۴ش تا ۱۳۵۶ش می‌توان مشاهده کرد که به ۸۰۰ میلیون تومان می‌رسید و رو به افزایش نیز بود.^[۵]

در مجموع باید گفت که روابط اقتصادی ایران و اسرائیل در دوره‌ی پهلوی دوم رو به فزونی گذاشت. البته در یک دوره‌ی کوتاه و در دوران مصدق این مناسبات به حداقل رسید و روابط رسمی دو کشور قطع شد. با این حال، از مقطعی به بعد مناسبات دوباره برقرار شد و رو به افزایش گذاشت به نحوی که در اواخر دوره‌ی حکومت محمدرضا شاه شاهد حضور گسترده‌ی اسرائیل در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران هستیم.

[۱] علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران دولت دست‌نشانده، تهران، انتشارت قومس، ۱۳۸۲، صص ۴۰۹-۴۱۱.

[۲] فرد هالیدی، ایرانه دیکتاتوری و توسعه، ترجمه محسن یلفانی و علی طلوع، تهران، نشر علم، ۱۳۵۸، ص ۲۸۹.

[۳] همان

[۴] علیرضا ازغندی، پیشین، ص ۴۱۸.

[۵] عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، البرز، ۱۳۷۵، ص ۴۵۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/50229/صنعت-کشت-نفت/50229>